



Sociological Analysis of Lifestyle Changes and Patterns of Marriage and Childbearing in Boroujerd

Negar Gholami¹

1- Master's Student, Department of Sociology, Faculty of Humanities, Ayatollah Boroujerdi University, Boroujerd, Iran.

Email: Negargholami2021@gmail.com

Received: 26 July 2026; **Revised:** 11 August 2026; **Accepted:** 07 September 2026; **Published:** 21 September 2026

ABSTRACT

Purpose: In recent decades, the family has undergone profound transformations that have altered patterns of marriage and childbearing, leading to delayed marriage. Previous research has predominantly focused on economic and structural factors, with less attention paid to the role of lifestyle changes through an integrated approach. This study aims to investigate the impact of lifestyle changes on family demographic patterns in the city of Boroujerd. **Method:** This qualitative research was conducted using a grounded theory approach. Data were collected through in-depth interviews with 15 married and soon-to-be-married participants in Boroujerd and analyzed using open, axial, and selective coding.

Methodology: This study was conducted using a qualitative approach and grounded theory. Data were collected through in-depth interviews with 15 participants—comprising both married individuals and those preparing for marriage—in the city of Boroujerd, and were analyzed using open, axial, and selective coding.

Findings: The core phenomenon of "fundamental reflexivity on the desirability of the large-family structure" emerged under causal conditions including value transformation, changing women's roles, economic uncertainty, and consumerism. This process occurred in the context of urbanization and changes in kinship relations, intensified by intervening conditions such as population policies, technology, and media. Participants adopted strategies of strategic delay, planned one-child policy, prenuptial agreements, and relationship quality enhancement, leading to fertility decline, population aging, and contractualization of the family.

Research limitations: Lifestyle transformations in Boroujerd have altered the traditional family and childbearing patterns, making childbearing a more conscious decision based on the assessment of costs and consequences. Under these circumstances, quality of life and child-rearing have taken priority over increasing the number of children. Therefore, addressing demographic changes requires multidimensional policies aligned with the cultural, value-based, and lifestyle transformations of families.

Keywords: Marriage, Lifestyle, Family, Boroujerd

Cite this Paper: Gholami N. Sociological Analysis of Lifestyle Changes and Patterns of Marriage and Childbearing in Boroujerd. *Governance of Population and Family*, 2(6), 53-70

©(2025) The Author, *Governance of Population and Family* Published by Imam Hossein University

This is an Open access article under the CC- BY 4.0 license. (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)



تحلیل جامعه شناختی تغییرات سبک زندگی و الگوهای ازدواج و فرزندآوری در بروجرد

نگار غلامی^۱ ID

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آیت‌اله بروجردی، بروجرد، ایران.

Email: Negargholami2021@gmail.com

تاریخ دریافت: ۰۴ مرداد ۱۴۰۵؛ تاریخ بازنگری: ۲۰ مرداد ۱۴۰۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۶ شهریور ۱۴۰۵؛ تاریخ انتشار: ۳۰ شهریور ۱۴۰۵

چکیده

هدف: خانواده در دهه‌های اخیر دستخوش تحولات شگرفی شده که الگوهای ازدواج و فرزندآوری را دگرگون و افزایش سن ازدواج را در پی داشته است. پژوهش‌های پیشین عمدتاً بر عوامل اقتصادی و ساختاری متمرکز بوده و نقش تغییرات سبک زندگی با رویکردی یکپارچه کمتر بررسی شده است. هدف این پژوهش، بررسی تأثیر تغییرات سبک زندگی بر الگوهای جمعیتی خانواده در شهر بروجرد است. روش پژوهش: این پژوهش با رویکرد کیفی و نظریه داده‌بنیاد انجام شد. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های عمیق با ۱۵ مشارکت‌کننده متأهل و در شرف ازدواج در شهر بروجرد جمع‌آوری و با کدگذاری باز، محوری و انتخابی تحلیل شدند.

روش پژوهش: این پژوهش با رویکرد کیفی و نظریه داده‌بنیاد انجام شد. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های عمیق با ۱۵ مشارکت‌کننده متأهل و در شرف ازدواج در شهر بروجرد جمع‌آوری و با کدگذاری باز، محوری و انتخابی تحلیل شدند.

یافته‌ها: پدیده محوری «بازاندیشی بنیادین در مطلوبیت خانواده پرجمعیت» تحت تأثیر شرایط علی تحول ارزشی، تغییر نقش زنان، نااطمینانی اقتصادی و مصرف‌گرایی شکل گرفته است. این فرایند در بستر شهرنشینی و تغییر خویشاوندی رخ داده و با شرایط مداخله‌گر سیاست‌های جمعیتی، فناوری و رسانه‌ها تشدید شده است. مشارکت‌کنندگان راهبردهای تأخیر استراتژیک، تک‌فرزندی برنامه‌ریزی‌شده، قراردادهای پیش‌ازدواج و کیفی‌سازی روابط را اتخاذ کرده‌اند که به کاهش باروری، پیرشدگی جمعیت و قراردادی شدن خانواده انجامیده است.

نتیجه‌گیری: تحولات سبک زندگی در بروجرد، الگوی سنتی خانواده و فرزندآوری را دستخوش تغییر کرده و فرزندآوری را بیش از گذشته به تصمیمی آگاهانه و مبتنی بر سنجش هزینه‌ها و پیامدها تبدیل کرده است. در این شرایط، کیفیت زندگی و تربیت فرزندان بر افزایش تعداد آنان اولویت یافته است. از این رو، مواجهه با تحولات جمعیتی مستلزم سیاست‌هایی چندبعدی و هماهنگ با تغییرات فرهنگی، ارزشی و سبک زندگی خانواده‌هاست.

کلیدواژه‌ها: ازدواج، سبک زندگی، خانواده، بروجرد.

مقدمه و بیان مسئله

در چند دهه‌ی اخیر، شهر بروجرد نیز مانند بسیاری از شهرهای ایران، شاهد تحولات شگرفی در الگوهای ازدواج و فرزندآوری بوده است. این تحولات، درواقع بازتابی از دگرگونی‌های عمیق‌تری است که خانواده در عصر مدرن تجربه کرده است. خانواده، کهن‌ترین و بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی، همواره نقشی محوری در تحول و تکامل جوامع بشری ایفا کرده است. این نهاد مقدس، نه‌تنها نخستین کانون جامعه‌پذیری و انتقال ارزش‌های فرهنگی به شمار می‌آید، بلکه به‌مثابه آیین‌های تمام‌نما، تحولات و دگرگونی‌های جامعه پیرامون خود را بازتاب می‌دهد. با این حال، آنچه در چند دهه اخیر در جامعه بروجرد رخ داده، نه یک تغییر سطحی و مقطعی، بلکه دگرگونی‌هایی عمیق، بنیادین و شتابان است که تمامی ارکان و ابعاد خانواده را تحت تأثیر قرار داده است. خانواده عنصر بنیادین هر نظام اجتماعی به‌ویژه در جوامع اسلامی است و نگاه اسلام به خانواده، راهبردی و ارزش‌مدار است. آموزه‌های اسلامی بر فرزندآوری، تداوم نسل و تقویت بنیان خانواده تأکید دارند و افزایش جمعیت را نه تنها یک ضرورت اجتماعی، بلکه وظیفه‌ای دینی می‌دانند (عقیلی و رهنما، ۱۴۰۳: ۲). با وجود این، خانواده با تأثیرپذیری از تغییرات اجتماعی، در معرض تغییر و دگرگونی قرار دارد و این تغییرات در جامعه، نهاد خانواده را بیشتر از دیگر نهادهای اجتماعی تحت تأثیر قرار می‌دهد (کلاته ساداتی و صبوچی گلکار، ۱۴۰۳: ۲۳۷؛ آزادارمکی، ۱۳۸۶). این تحولات، که ریشه در جریان‌های گسترده‌ای چون مدرنیزاسیون، جهانی‌شدن، توسعه فناوری‌های ارتباطی و تغییرات اقتصادی- اجتماعی دارد، خانواده را از قالبی نسبتاً ایستا و مبتنی بر سنت‌های دیرینه، به نهادی پویا، متغیر و در حال بازتعریف دائمی تبدیل کرده است. چنین دگرگونی‌هایی، بیش از هر حوزه‌ای، الگوهای جمعیتی خانواده را دستخوش تغییر ساخته و چالش‌های بی‌سابقه‌ای را در زمینه باروری، ازدواج، ساختار سنی و ترکیب خانوار پدید آورده است (میرمحمدرضایی و ساروخانی، ۱۳۹۷: ۱۳۴). گذر از جامعه سنتی به جامعه مدرن در بروجرد، با تحولاتی ژرف در سبک زندگی همراه بوده است. سبک زندگی، به‌مثابه مجموعه نسبتاً منسجمی از الگوهای رفتاری، الگوهای مصرف، نحوه گذراندن اوقات فراغت، ارزش‌ها و نگرش‌ها، در چند دهه اخیر چنان دگرگون شده که به‌جرات می‌توان گفت بروجردیان امروز، از بسیاری جهات، با بروجردیان دو یا سه نسل پیش، تفاوتی بنیادین یافته‌اند. امروزه استفاده از رسانه‌های جمعی بیشترین میزان اوقات فراغت خانواده‌ها، اعم از کودکان و بزرگسالان را به خود اختصاص داده و حوزه امن و بسته خانواده را به روی عرصه عمومی جامعه گشوده است (رضایی، ۱۳۹۱: ۳۲). این دگرگونی، به‌ویژه در عرصه‌های مرتبط با خانواده و جمعیت، نمودی آشکار یافته است. تحول در روابط و مناسبات درون‌خانوادگی، تغییر نقش‌های جنسیتی، دگرگونی در الگوهای همسرگزینی، کاهش چشمگیر باروری، افزایش سن ازدواج، رواج خانواده‌های هسته‌ای و در مواردی، تک‌فرزندی یا بی‌فرزندی، همگی نشانه‌هایی از این تحول بنیادین به شمار می‌آیند. این نشانه‌ها، بر هم‌خوردن نظم سنتی خانواده و شکل‌گیری نظامی نوین را حکایت می‌کنند که در آن، معیارهای کهن جای خود را به ارزش‌ها و هنجارهایی می‌دهند که بر انتخاب‌های فردی، استقلال شخصی و کیفیت زندگی تأکید دارند (چراغی کوتپانی، ۱۴۰۰: ۹؛ تاج‌بخش و گودرزی، ۱۴۰۲: ۹۷). انتقال باروری در ایران، به‌طور غیرمستمر، در فاصله زمانی سه دهه (از ابتدای دهه ۱۳۵۰ تا اواخر دهه ۱۳۷۰) صورت گرفت. برآوردهای انجام‌شده از روند تحولات باروری حاکی از این است که میزان باروری کل از حدود ۷/۷ فرزند برای هر زن در سال ۱۳۴۵ به ۳/۶ فرزند در سال ۱۳۵۵ کاهش یافت (عباسی‌شوازی و همکاران، ۱۳۸۱: ۱۶۹؛ عباسی‌شوازی و عسکری ندوشن، ۱۳۸۴: ۲۶). بعد از این کاهش اولیه، موقتاً وقفه‌ای در گذار جمعیتی ایران پدید آمد و تحت تأثیر شرایط خاص متأثر از رویداد انقلاب اسلامی، باروری در بین سال‌های ۱۳۵۶-۵۸ اندکی افزایش یافت و سپس تا حوالی سال ۱۳۶۳ روند نسبتاً ثابتی را ادامه داد. از سال

۱۳۶۳ به بعد مجدداً به تدریج روند کاهش باروری آغاز شد و از ۹/۶ فرزند برای هر زن در این سال به ۵/۵ فرزند در سال ۱۳۶۷ که زمان راه‌اندازی مجدد برنامه‌های تنظیم‌خانواده است رسید و از این زمان به بعد به سرعت روند انتقالی خود را طی کرده و میزان باروری کل به ۱۷/۲ در سال ۱۳۷۹ رسید (عباسی شوازی و مک‌دونالد، ۲۰۰۵: ۱). این کاهش شگفت‌انگیز که در طول تنها سه دهه رخ داده، در تاریخ جمعیت‌شناسی جهان کم‌نظیر است. هرچند سیاست‌های رسمی تنظیم خانواده در دهه ۱۳۶۰ نقش مهمی در آغاز این روند ایفا کردند، اما تداوم و تعمیق آن، بیش از هر چیز به تغییرات بنیادین در ارزش‌ها، نگرش‌ها و سبک زندگی افراد و خانواده‌ها بازمی‌گردد. تغییرات سبک زندگی در ایران و به طور خاص بروجرد، ابعاد گوناگون و پیچیده‌ای دارد. از یک سو، تحول در نظام آموزشی و گسترش چشمگیر تحصیلات عالی، به‌ویژه در میان زنان، موجب شده است که دختران و زنان، دیرتر ازدواج کنند، فرصت‌های شغلی و حرفه‌ای را جدی‌تر دنبال نمایند و به تبع آن، فرزندآوری را به سال‌های پایانی عمر باروری خود موکول کنند و یا تعداد فرزندان خود را به حداقل برسانند (عباسی شوازی و خواجه‌صالحی، ۱۳۹۲: ۶۴). مطالعات فراتحلیل نیز نشان داده است که سبک زندگی تأثیر قوی و معناداری بر فرزندآوری دارد و اندازه اثر آن بر اساس نظام تفسیری کوهن در سطح بالا ارزیابی شده است (تاج‌بخش و گودرزی، ۱۴۰۲: ۱۱۱). افزایش سن ازدواج در ایران به‌گونه‌ای است که میانگین سن ازدواج برای زنان از حدود ۱۸/۹ سال در سال ۱۳۶۰ به بیش از ۲۴/۴ سال در سال ۱۳۷۵ افزایش یافته است (سیدمرزایی و ارشدی، ۱۳۹۳: ۲) از سوی دیگر، گسترش فردگرایی و محوریت یافتن خواسته‌ها و تمایلات فردی، به تدریج جایگاه فرزند را در سلسله‌مراتب ارزش‌های خانوادگی دستخوش تغییر کرده است. در این زمینه، نتایج پیمایش‌های ملی نشان می‌دهد که حدود ۳۰ درصد افراد بدون فرزند و ۴۸ درصد افراد دارای یک فرزند، تمایلی به داشتن فرزند یا فرزند دیگری ندارند و مهم‌ترین علل عدم تمایل به فرزندآوری در چهار دسته مشکلات و نگرانی‌های مرتبط با فرزندان و آینده آن‌ها، شرایط کاری و هزینه فرصت، روابط بین همسران، و مشکلات سلامتی و جسمانی افراد قرار گرفته است (بگی، صادقی و حاتمی، ۱۴۰۰: ۱۰۳). همچنین، یافته‌های پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان نشان می‌دهد که تحول ارزش‌های خانواده میان دو نسل در حوزه شیوه همسرگزینی، سبک زندگی، سنت‌های خانوادگی و فرزندمحوری مشهود است و خانواده به‌سوی خانواده مدرن و شکننده در حرکت است (عبداللهی و همکاران، ۱۴۰۱: ۸۹). تاج‌بخش (۱۴۰۴) در پژوهش فراترکیب خود نشان داد که تمایل به فرزندآوری در ایران در یک دهه اخیر دچار تحول شده است و عوامل فرهنگی و اجتماعی چون تغییرات ارزشی و نگرشی، تحولات نسلی و پیدایش سبک زندگی مدرن، نقش مهمی در کاهش تمایل به فرزندآوری داشته‌اند. تحولات جمعیتی خانواده تنها به کاهش باروری محدود نمی‌شود. تغییر در الگوهای ازدواج و سن ازدواج نیز از دیگر ابعاد مهم این دگرگونی به شمار می‌آید. میانگین سن ازدواج در ایران، طی چند دهه اخیر به طور چشمگیری افزایش یافته است. به‌گونه‌ای که بین سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۵، متوسط سن اولین ازدواج زنان از ۱۸/۳ به ۲۳/۴ سال و برای مردان از ۲۴/۹ به ۲۶/۷ سال افزایش یافته است (رازقی نصرآباد، ۱۴۰۰) از سوی دیگر، الگوهای همسرگزینی و انتخاب همسر نیز در سالیان اخیر رو به تغییر نهاده است و انتخاب‌ها و تصمیمات جوانان پیرامون زمان ازدواج، تعیین شرایط و ملاک‌ها و پیش‌نیازهای ازدواج اهمیت بیشتری پیدا کرده است (همان). در این میان، مصرف رسانه‌ای و گسترش شبکه‌های اجتماعی مجازی نقشی تعیین‌کننده در تغییر نگرش‌ها و ارزش‌های مرتبط با ازدواج و فرزندآوری ایفا کرده است (رضایی، ۱۳۹۱: ۴۴).

اهمیت و ضرورت بررسی تأثیر تغییرات سبک زندگی بر الگوهای جمعیتی خانواده، از چند منظر قابل تبیین است. نخست آنکه، جامعه ایران در دهه اخیر، با کاهش نرخ باروری به زیر سطح جایگزینی مواجه شده است و این روند، در صورت تداوم، پیامدهای جبران‌ناپذیری همچون سالخوردگی جمعیت، کاهش نیروی کار، افزایش بار تکفل و فشار بر نظام تأمین

اجتماعی را به دنبال خواهد داشت (مشفق، محمودی و مطیع‌حق‌شناس، ۱۳۹۱: ۱۵۳؛ محمودی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۵۵). دوم آنکه، خانواده در لرستان، هنوز از جایگاه و اهمیت والایی در میان افراد جامعه برخوردار است و برخلاف برخی جوامع غربی، نشانه‌هایی از گسست کامل از نهاد خانواده مشاهده نمی‌شود (افشارکهن و بلالی، ۱۳۹۸: ۱۸۳). اما آنچه در حال وقوع است، تغییر در کیفیت، ساختار و کارکردهای خانواده است که بیش از هر چیز، تحت تأثیر دگرگونی‌های سبک زندگی قرار دارد. خانواده تحت تأثیر تحولات اجتماعی و فرهنگی، زمینه بروز برخی تفاوت‌ها و تمایزات نسلی را تجربه کرده است، هرچند که این تفاوت‌ها و تمایزات از طریق آداب و سنن و نظام ارزشی خانواده تعدیل گردیده و پیوستگی اجتماعی میان نسل‌ها حفظ شده است (عباسی‌شوازی و عسکری ندوشن، ۱۳۸۴: ۲۹). سوم آنکه، با توجه به نقش انکارناپذیر رسانه‌ها و فناوری‌های نوین ارتباطی در تغییر سبک زندگی خانواده‌ها، و نیز با عنایت به افزایش روزافزون شهرنشینی، فردگرایی و تحرک جغرافیایی در جامعه، انتظار می‌رود که تغییرات سبک زندگی با شتابی بیش از پیش ادامه یابد و پیامدهای جمعیتی آن، عمیق‌تر و گسترده‌تر گردد. غفلت از شناخت دقیق این فرایندها، می‌تواند به معنای از دست دادن فرصت‌های ارزشمند برای مداخله آگاهانه و سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد باشد.

بر این اساس، هدف پژوهش حاضر آن است که به بررسی و تبیین تأثیر تغییرات سبک زندگی بر الگوهای جمعیتی خانواده در بروجرد بپردازد. در این راستا، پرسش اصلی پژوهش این است که تغییرات سبک زندگی در بروجرد، از چه طریقی و با چه سازوکارهایی بر الگوهای جمعیتی خانواده، از جمله باروری، سن ازدواج و ساختار خانواده تأثیر گذاشته است؟

مبانی مفهومی پژوهش

مفهوم‌شناسی دقیق مؤلفه‌ها، گام نخستین در هر گونه نظریه‌پردازی منسجم است؛ بدین ترتیب، برای تبیین سازوکار تأثیر تحولات اجتماعی بر تفاوت‌ها و تغییرات باروری، لازم است پیش از ورود به آرای نظریه‌پردازان، سه مؤلفه اصلی پژوهش -یعنی «سبک زندگی» (به مثابه الگوی مصرف، سلاقی، عادت‌واره‌ها و کنش‌های روزمره)، «الگوهای جمعیتی خانواده» (شامل سه شاخه فرعی باروری، ازدواج و ساختار خانوار) و «عوامل زمینه‌ساز تحولات اجتماعی» (شامل فردگرایی، سرمایه‌های فرهنگی-اجتماعی، تغییرات ارزشی و بستر نهادی) به روشنی تعریف شوند تا نسبت هر یک با چارچوب‌های نظری منتخب آشکار گردد. بر این اساس، هر یک از چهار رویکرد نظری زیر برای مفهوم‌سازی و تبیین یکی یا ترکیبی از این مؤلفه‌ها به کار گرفته شده‌اند.

نخستین چارچوب نظری که برای مفهوم‌سازی مؤلفه «فردگرایی» (به عنوان یکی از عوامل زمینه‌ساز) به کار رفته، نظریه فردگرایی در جامعه‌شناسی معاصر، به ویژه در آثار آنتونی گیدنز، است. این نظریه مشخصاً ناظر به تبیین مؤلفه‌های فرعی «تصمیمات ازدواج» و «فرزندآوری» در الگوهای جمعیتی است. گیدنز فردگرایی را نتیجه هویت‌یابی بازتابنده در مدرنیته متأخر می‌داند که طی آن، به دلیل کاهش اهمیت مسیرهای از پیش تعیین‌شده زندگی، افراد مجبور به انتخاب می‌شوند و زندگی‌نامه شخصی خود را می‌نویسند (افشارکهن و باللی، ۱۳۹۸: ۱۱). بر اساس این دیدگاه، نهادهای اجتماعی سنتی مانند دین و خانواده در دوره معاصر به شدت در حال خروج از عرصه‌های زندگی هستند و به موازات کاهش تأثیرگذاری نهادها، فرایند فردی‌شدن تصمیم‌های زندگی از طریق بازاندیشی قوت گرفته است (همان). بدین ترتیب، این نظریه به مفهوم‌سازی چرایی خروج تصمیمات مربوط به ازدواج، فرزندآوری و سبک زندگی خانوادگی از چارچوب هنجارهای جمعی و ورود آن به حوزه انتخاب‌های فردی می‌پردازد. چراغی کوتپانی (۱۴۰۰: ۱۰) نیز با تأکید بر گسترش ارزش‌های فردی، نشان داده است که کنشگران اجتماعی به جای اولویت دادن به خواست‌های جمعی و سنتی، به ارزش‌های فردی خود اولویت می‌دهند و این

امر از طریق محوریت یافتن خواسته‌های فردی، کاهش ارزش فرزند (به‌عنوان مؤلفه‌ای از الگوی باروری) و تغییر ارزش ازدواج (به‌عنوان مؤلفه‌ای دیگر) را به دنبال داشته است. دومین رویکرد نظری، نظریه سرمایه اجتماعی و فرهنگی پیر بورديو است که عمدتاً برای مفهوم‌سازی مؤلفه اصلی «سبک زندگی» و همچنین تبیین نقش مؤلفه‌های «سرمایه فرهنگی و اجتماعی» (به‌عنوان عوامل زمینه‌ساز) در ایجاد تفاوت‌های جمعیتی به‌کار رفته است. بورديو سرمایه اجتماعی را به‌عنوان منابعی تعریف می‌کند که از روابط اجتماعی و شبکه‌های فردی به‌دست می‌آیند و در کنار سرمایه اقتصادی و فرهنگی، موقعیت و «عادت‌واره» (که خود مفهوم‌ساز اصلی سبک زندگی است) افراد را شکل می‌دهند (رسول‌زاده اقدم و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۱۳). عادت‌واره به‌عنوان نظام‌هایی از خلق‌وخوهای تغییرپذیر و پایا، با درونی‌کردن محدودیت‌ها و امکانات بیرونی شکل می‌گیرد (افشارکهن و بلالی، ۱۳۹۸: ۱۱). در این چارچوب، سبک زندگی نه تنها بازتاب وضعیت اقتصادی، بلکه بازتابی از فرهنگ و عادات اجتماعی ناظر به پایگاه طبقاتی است و طبقات مختلف، سبک‌های زندگی متمایزی توسعه می‌دهند (تاج‌بخش و گودرزی، ۱۴۰۲: ۱۰۱). از این منظر، این نظریه به ما کمک می‌کند تا تحول در مؤلفه‌های جمعیتی (همچون فرزندآوری تفکیکی در طبقات مختلف) را ناشی از دگرگونی در سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی و در نتیجه، تغییر عادت‌واره‌ها و سبک‌های زندگی گروه‌های مختلف اجتماعی مفهوم‌سازی کنیم. تاج‌بخش (۱۴۰۴: ۲۰) نیز نشان داده است که سرمایه اجتماعی می‌تواند به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر مؤلفه فرزندآوری تأثیر بگذارد و در جوامعی با سرمایه اجتماعی قوی، والدین بیشتر از حمایت‌های اجتماعی بهره‌مند می‌شوند. سومین چارچوب نظری، نظریه تغییرات ارزشی اینگلهارت، به‌طور خاص برای مفهوم‌سازی مؤلفه «تغییرات ارزشی» (به‌عنوان عامل زمینه‌ساز) و تبیین تأثیر آن بر مؤلفه‌های فرعی «کاهش ارزش فرزند» و «تغییر نگرش به ازدواج» در الگوهای جمعیتی به‌کار گرفته شده است. اینگلهارت معتقد است که در جوامع صنعتی و فراصنعتی، با افزایش سطح امنیت وجودی، اولویت‌های ارزشی از تأکید بر ارزش‌های مادی‌گرایانه به ارزش‌های فرامادی چون خوداظهاری، کیفیت زندگی و آزادی‌های فردی تغییر جهت می‌دهد (ساروخانی و میرمحمدرضائی، ۱۳۹۷: ۱۴۳). در این گذار ارزشی، نهادهای سنتی مانند خانواده و دین اهمیت خود را از دست می‌دهند و هنجارهای مرتبط با ازدواج، فرزندآوری و روابط جنسی دستخوش دگرگونی می‌شوند. سرایی و اوجاقلو (۱۳۹۲: ۳۳) نشان دادند که با افزایش تجربه جهانی شدن، ارزش ازدواج در ایران کاهش یافته است. همچنین چراغی کوتپانی (۱۴۰۰: ۲۳) با استناد به این نظریه، تغییرات ارزشی خانواده را از طریق گسترش فردگرایی، کاهش ارزش فرزندان، ضعف باورهای دینی و افزایش مصرف‌گرایی تبیین کرده است که همگی ناظر به مفهوم‌سازی مؤلفه‌های سبک زندگی و الگوی باروری هستند. چهارمین رویکرد نظری، نظریه نهادگرایی در تحلیل باروری، به‌منظور مفهوم‌سازی مؤلفه «نهادهای اجتماعی» (به‌عنوان بستر و قواعد زمینه‌ساز) و تبیین تأثیر آن‌ها بر مؤلفه «چارچوب‌های تصمیم‌گیری باروری» در الگوهای جمعیتی مطرح می‌شود. بر اساس این دیدگاه، نهادها به‌عنوان قواعد بازی در جامعه، زمینه‌های انتخاب و تصمیم‌گیری افراد را تعیین می‌کنند و تغییر در این نهادها منجر به تغییرات عمده در رفتارهای باروری می‌شود (متوسلی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۱۹). عباسی شوازی (۱۳۸۰: ۲۶) با تأکید بر این چارچوب نهادی، خانواده را اصلی‌ترین واحد تصمیم‌گیری باروری می‌داند. از این منظر، تغییرات سبک زندگی در بستر تحولات نهادی گسترده‌تری همچون تغییر در نظام آموزشی، تحول در بازار کار، گسترش نهادهای رفاهی و دگرگونی در قوانین مرتبط با خانواده و جمعیت مفهوم‌سازی و بررسی می‌شود. تاج‌بخش (۱۴۰۴: ۲۰) نیز نشان داد که نهادگرایی بر فرزندآوری تأثیرات گسترده‌ای دارد و سیاست‌گذاری‌ها و حقوق مربوط به فرزندآوری، اشتغال و معیشت تحت تأثیر رویکردهای متفاوت نهادهای دولتی قرار می‌گیرند.

جمع‌بندی این چهار چارچوب نظری نشان می‌دهد که برای مفهوم‌سازی کامل نسبت میان مؤلفه‌های پژوهش (سبک زندگی، الگوهای جمعیتی خانواده و عوامل زمینه‌ساز)، باید به تعامل پیچیده‌ای از فردگرایی فزاینده، دگرگونی در سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی، تغییر در اولویت‌های ارزشی و تحول در نهادهای اجتماعی توجه کرد. این رویکردهای نظری مکمل یکدیگرند و هر یک، ابعاد خاصی از مؤلفه‌های یادشده را به‌طور مجزا مفهوم‌سازی می‌کنند؛ به‌گونه‌ای که درک جامع آن، نیازمند توجه هم‌زمان به همه این ابعاد در بستر تحولات اجتماعی فرهنگی است.

پیشینه پژوهش

مطالعات انجام‌شده درباره تحولات جمعیتی و خانوادگی را می‌توان در چند محور اصلی دسته‌بندی کرد: نخست، پژوهش‌هایی که بر تغییرات نگرشی و ارزشی مرتبط با ازدواج و فرزندآوری تمرکز داشته‌اند؛ دوم، مطالعاتی که تأثیر جهانی شدن، رسانه‌ها و تغییرات فرهنگی را بر خانواده بررسی کرده‌اند؛ سوم، پژوهش‌هایی که رابطه سبک زندگی و رفتار فرزندآوری را مورد توجه قرار داده‌اند؛ و در نهایت، مطالعات بین‌المللی که در چارچوب نظریه گذار جمعیتی دوم و نظریه فردگرایی، تغییرات خانواده، ازدواج و باروری را تبیین کرده‌اند. جدول زیر مهم‌ترین پژوهش‌های مرتبط را بر اساس موضوع، روش، عنوان و یافته‌های اصلی نشان می‌دهد.

جدول ۱. جمع‌بندی مهم‌ترین پژوهش‌های داخلی

نویسندگان	سال	رویکرد	موضوع	یافته های کلیدی
عباسی شوازی و عسکری ندوشن	۱۳۸۴	مطالعه‌ی موردی (استان یزد)	کاهش باروری و تحولات خانواده	کاهش سریع باروری با تحولات یکدست خطی در ابعاد سنتی همراه نبوده و ترکیبی از عناصر مدرن و سنتی را در ساختار خانواده نمایش داده است.
عباسی شوازی و همکاران	۱۳۸۱	بررسی دیدگاه زنان	هم‌گرایی نگرش‌های باروری	نگرش و رفتار باروری در گروه‌های سنی، روستایی/شهری و باسواد/بی‌سواد هم‌گرا شده و هنجارهای جدید فرزندآوری در سطح ملی اشاعه یافته است.
چراغی کوتپانی	۱۴۰۰	مطالعه‌ی تحلیلی	نقش تغییرات ارزشی خانواده در کاهش باروری	گسترش فردگرایی، کاهش ارزش فرزندان، تضعیف باورهای دینی و افزایش مصرف‌گرایی از مهم‌ترین عوامل تحول ارزشی مؤثر بر باروری هستند.
میرمحمدرضائی و ساروخانی	۱۳۹۷	رویکرد جهانی شدن	تغییرات خانواده در زنان	جهانی‌شدن (به‌ویژه رسانه‌های ماهواره‌ای و اینترنت) بر ساختار قدرت، فرزندمداری و روابط خویشاوندی در خانواده‌های شهری تأثیر گذاشته است
سرایی و اوچاقلو	۱۳۹۲	مطالعه‌ی نسلی	جهانی‌شدن و ارزش ازدواج	با افزایش تجربه‌ی جهانی‌شدن، ارزش ازدواج در ایران کاهش یافته و این تغییر در نسل‌های جوان‌تر بیش از نسل‌های قدیمی‌تر مشهود است.
تاج‌بخش و گودرزی	۱۴۰۲	فرا تحلیل	تأثیر سبک زندگی بر فرزندآوری	تأثیر سبک زندگی بر فرزندآوری قوی و معنادار است و اندازه‌ی اثر آن بر اساس نظام تفسیری کوهن در سطح بالا ارزیابی شده است.

جدول ۲. جمع‌بندی مهم‌ترین پژوهش‌های بین‌المللی

نویسندگان	سال	رویکرد	موضوع	یافته‌های کلیدی
لستخه و نیدرت	۲۰۰۶	مطالعه‌ی تحلیلی- تطبیقی	گذار جمعیتی دوم در ایالات متحده	مؤلفه‌های گذار دوم (هم‌باشی، تأخیر ازدواج، باروری زیرجانشینی، تولد خارج‌ازازدواج) در آمریکا دیده می‌شود، اما جامعه دوقطبی است و گروه‌های سنتی دارای باروری بالا نیز حضور دارند.
تگرو و آسوه	۲۰۲۵	رویکرد همه‌گیرشناختی	بنیان‌های فرهنگی گذار جمعیتی دوم	ارزش‌هایی مانند برابری‌خواهی جنسیتی و بی‌اعتمادی نهادی، در تعامل با آموزش عالی، با افزایش تولد خارج‌ازازدواج رابطه‌ی مثبت دارند؛ در مقابل، پیوندهای خانوادگی قوی اثر بازدارنده دارد.
ارهارت و کوهلی	۲۰۱۱	م تحلیل نظری	نقش فردگرایی و باروری	افزایش طلاق و گسست‌پذیری ازدواج، قرارداد سنتی نان‌آوری مرد- خانه‌داری زن را بی‌ارزش کرده و سرمایه‌گذاری در ازدواج و فرزند را با ریسک همراه ساخته است.
فردریک تریلور و یونگین چه	۲۰۲۵	تحلیل داده‌های پانل	نگرش‌های زیست‌محیطی و باروری در آمریکا	حمایت از مخارج زیست‌محیطی دولت با کاهش باروری و کاهش تعداد فرزندان ایده‌آل مرتبط است و این رابطه در نسل‌های جوان‌تر قوی‌تر است.

با وجود غنای نسبی پژوهش‌های یادشده، مرور انتقادی جداول فوق، کاستی‌های قابل‌توجهی را آشکار می‌سازد که پرسش‌های پژوهش حاضر دقیقاً در پاسخ به آن‌ها صورت‌بندی شده است: نخست، اکثر قریب‌به‌اتفاق پژوهش‌های داخلی (مانند مطالعات عباسی‌شوازی، سرایبی و اوجاقلو، و چراغی کوتپانی) عمدتاً بر متغیرهای اقتصادی، ساختاری یا تک‌بعدی ارزشی متمرکز بوده‌اند. این مطالعات به نقش تعاملی و هم‌زمان ابعاد چندگانه‌ی سبک زندگی (شامل الگوهای مصرف، نوع اوقات فراغت، کیفیت روابط اجتماعی، سرمایه‌ی فرهنگی و عادت‌واره‌های طبقاتی) بر الگوهای جمعیتی خانواده نپرداخته‌اند و عملاً نسبت میان این ابعاد به‌هم‌پیوسته با مؤلفه‌هایی همچون سن ازدواج، فاصله‌ی مولید و تعداد فرزندان، همچنان در هاله‌ای از ابهام باقی مانده است. دوم، پژوهش‌های بین‌المللی (از جمله تگرو و آسوه، و ارهارت و کوهلی) اگرچه به فردگرایی و ارزش‌های فرهنگی اشاره دارند، اما عموماً در بستر جوامع غربی صورت‌بندی شده‌اند و به‌ویژه به زمینه‌های خاص اجتماعی-فرهنگی بروجرد (با ساختار نهادی متمایز، سیاست‌های جمعیتی خاص، و نظام خویشاوندی متفاوت) توجهی ندارند؛ از این‌رو، تعمیم مستقیم یافته‌های آن‌ها ممکن نیست. سوم، در ادبیات موجود، هیچ‌کدام از پژوهش‌ها از رویکردی یکپارچه و میان‌رشته‌ای که هم‌زمان از منظر فردگرایی (گیدنز)، سرمایه‌ی فرهنگی-اجتماعی (بوردیو)، تغییرات ارزشی (اینکلهارت) و تحولات نهادی به تبیین این پدیده بپردازد، بهره نبرده‌اند. به عبارت روشن‌تر، پژوهش‌های پیشین به پرسش «چگونه و از چه مسیری، تغییرات چندگانه‌ی سبک زندگی به تحول در الگوهای جمعیتی خانواده امروز منجر می‌شود؟» پاسخی جامع و نظام‌مند نداده‌اند. بر این اساس، پژوهش حاضر برای پر کردن دقیقاً همین شکاف طراحی شده است: با بهره‌گیری از چارچوب نظری تلفیقی چهارگانه و رویکردی نظام‌مند، به دنبال آن است که تصویری یکپارچه از سازوکار تأثیر تغییرات چندبعدی سبک زندگی بر الگوهای جمعیتی خانواده ارائه دهد و بدین ترتیب، به پرسش‌های حل‌نشده‌ای پاسخ گوید که در پژوهش‌های قبلی مغفول مانده‌اند.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و بر اساس نظریه‌ی داده‌بنیاد با رویکرد نظام‌مند (سیستماتیک) اشتراوس و کوربین (۱۹۹۰، ۱۹۹۸) انجام شده است. در این رویکرد، جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها به صورت هم‌زمان انجام می‌شود و پژوهشگر به جای پیش‌فرض گرفتن یک نظریه، با ورود به حوزه‌ی مورد مطالعه، به داده‌ها اجازه می‌دهد تا نظریه را پدید آورند. جامعه‌ی مورد مطالعه، ۱۵ نفر از ساکنان شهر بروجرد بودند که به صورت هدفمند انتخاب شدند. معیارهای ورود به پژوهش عبارت بود از: (۱) داشتن تجربه‌ی زندگی زناشویی (متأهل، مطلقه یا در شرف ازدواج) یا تجربه‌ی تصمیم‌گیری درباره‌ی فرزندآوری در پنج سال اخیر؛ (۲) دامنه‌ی سنی ۲۵ تا ۵۵ سال. برای افراد مجرد، شرط «در شرف ازدواج» به معنای داشتن نامزدی رسمی یا رابطه‌ی عاطفی پایدار با برنامه‌ی قطعی برای ازدواج در بازه‌ی یک‌ساله آینده تعریف شد. نمونه‌گیری به صورت هدفمند و با راهبرد نمونه‌گیری موارد خاص یا یگانه انجام گرفت و تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. روش گردآوری داده‌ها، مصاحبه‌ی عمیق و نیمه‌ساختاریافته بود. هر مصاحبه بین ۴۵ تا ۹۰ دقیقه به طول انجامید و تمامی مصاحبه‌ها با رضایت آگاهانه‌ی مشارکت‌کنندگان ضبط و سپس پیاده‌سازی شدند. سؤالات مصاحبه حول محورهای اصلی پژوهش (تغییرات سبک زندگی، الگوهای ازدواج، فرزندآوری و ساختار خانواده) طراحی شده و با سؤالات باز و اکتشافی همراه بود. تحلیل داده‌ها هم‌زمان با جمع‌آوری و در سه مرحله انجام شد: در مرحله‌ی کدگذاری باز، متن مصاحبه‌ها خط‌به‌خط مطالعه و مفاهیم اولیه (کدهای باز) بدون پیش‌داوری و مستقیماً از جملات مشارکت‌کنندگان استخراج شدند. در مرحله‌ی کدگذاری محوری، با استفاده از مقایسه‌ی دائمی، کدهای باز از نظر شباهت و تفاوت با یکدیگر سنجیده شدند و کدهای مرتبط، در مقوله‌های فرعی و سپس مقوله‌های اصلی دسته‌بندی شدند. در این مرحله، یادداشت‌نویسی نظری به صورت مستمر انجام می‌شد تا روابط مفهومی و پرسش‌های تحلیلی ثبت گردند. در مرحله‌ی کدگذاری انتخابی، مقوله‌ی هسته‌شناسایی و سایر مقوله‌ها بر اساس رابطه‌ای که با این هسته داشتند، در مدل پارادایمی (شامل شرایط علی، بستر، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها) جایگذاری شدند. مدل نهایی نیز با بازبینی مجدد داده‌ها و مقوله‌ها، از طریق مقایسه‌ی دائمی، اصلاح و تثبیت گردید. فرایند مصاحبه و کدگذاری تا جایی ادامه یافت که در مصاحبه‌های ۱۳ تا ۱۵، کد یا مقوله‌ی جدیدی ظاهر نشد و مقوله‌های اصلی به‌خوبی اشباع شده بودند. اشباع نظری زمانی حاصل شد که (۱) هیچ داده‌ی جدیدی به کشف مقوله‌ی تازه‌ی منجر نشد، (۲) روابط میان مقوله‌ها به‌خوبی روشن و قابل تبیین بود، و (۳) مدل پارادایمی توانست تمامی تغییرات موجود در داده‌ها را به‌خوبی تبیین کند. به منظور تعیین اعتبار (روایی) پژوهش، از دو روش استفاده شد: اعتبار اعضا که طی آن نتایج نهایی به مشارکت‌کنندگان بازگردانده شد و پس از تأیید آن‌ها، اعتبار یافته‌ها تأمین گردید (ایمان، ۱۳۸۸: ۱۲۲)؛ و نظر اساتید که طی آن، مراحل کدگذاری و مدل نهایی توسط دو نفر از اساتید آشنا با روش‌شناسی کیفی بررسی و تأیید شد. برای سنجش پایایی (تکرارپذیری)، از روش توافق درون‌موضوعی استفاده شد؛ بدین صورت که دو کدگذار مستقل، سه مصاحبه را به‌طور جداگانه کدگذاری کرده و درصد توافق کدگذاری‌ها محاسبه گردید که میزان توافق ۸۳ درصد به دست آمد. به منظور رعایت اخلاق پژوهش، اطلاعات هویتی مشارکت‌کنندگان ثبت نشد، مصاحبه‌ها با کدهای اختصاصی (P1 تا P15) ذخیره گردید و تمامی فایل‌های صوتی و متنی حاوی اطلاعات شخصی، بلافاصله پس از پایان پژوهش حذف شدند (والی‌من، ۱۳۸۷: ۷۶). همچنین تمامی مشارکت‌کنندگان رضایت آگاهانه‌ی کتبی برای شرکت در پژوهش و ضبط مصاحبه ارائه دادند. جدول شماره (۲) ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان را به تفکیک نشان می‌دهد.

جدول ۳. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان

کد مشارکت‌کننده	سن	وضعیت تاهل	جنسیت	میزان تحصیلات	شغل
P1	۲۸	مجرد	زن	کارشناسی	کارمند
P2	۳۵	متاهل	مرد	فوق دیپلم	ازاد
P3	۴۲	متاهل	زن	کارشناسی	خانه دار
P4	۵۰	متاهل	مرد	دیپلم	کشاورز
P5	۳۱	مجرد	زن	کارشناسی ارشد	دانشجو
P6	۴۵	متاهل	مرد	کارشناسی	کارمند
P7	۲۷	مجرد	زن	کارشناسی	کارمند
P8	۵۳	متاهل	مرد	دیپلم	ازاد
P9	۳۸	متاهل	زن	کارشناسی ارشد	معلم
P10	۲۹	مجرد	زن	کارشناسی	دانشجو
P11	۴۸	متاهل	مرد	فوق دیپلم	کارمند
P12	۳۴	متاهل	زن	کارشناسی	کارمند
P13	۴۱	مطلقه	مرد	کارشناسی	کارمند
P14	۵۵	متاهل	مرد	دیپلم	ازاد
P15	۳۶	متاهل	زن	کارشناسی ارشد	معلم

یافته‌های پژوهش

پس از پایان مرحله‌ی کدگذاری باز، طبقات اصلی کشف و استخراج شدند. در مرحله‌ی کدگذاری محوری، پدیده‌ی «بازاندیشی بنیادین در مطلوبیت ساختار خانواده‌ی پرجمعیت» به‌عنوان پدیده‌ی محوری در مدل پارادایمی تعیین شد و سایر طبقات به‌دست‌آمده، بسته به نوع رابطه‌ای که با این پدیده داشتند، در مرحله‌ی کدگذاری انتخابی گزینش و در یکی از بخش‌های مدل گنجانده شدند. برای نمایش عینی مسیر تحلیل و چگونگی گذر از داده‌های خام به مقوله‌ها، جدول شماره (۴) نمونه‌ی مشخصی از فرایند کدگذاری سه‌گانه را برای چند نقل‌قول کلیدی نشان می‌دهد. در ادامه، شرح هر یک از بخش‌های مدل و نحوه‌ی ارتباط آن‌ها با پدیده‌ی محوری ارائه می‌شود.

جدول ۴. فرایند تحلیل داده‌ها

نقل قول کلیدی	کدهای باز اولیه	مقوله فرعی	مقوله اصلی	جایگاه در مدل پارادایمی
«وقتی به زندگی مادرم نگاه می‌کنم که ۴ تا بچه داشت و تمام عمرش را فدای ما کرد، می‌بینم که خودش هیچ‌وقت به آرزوهای شخصی‌اش نرسید. من نمی‌خواهم چنین زندگی‌ای داشته باشم.» (P5)	فداکاریِ مادرانه به‌بهای ازدست‌دادن فرصت‌های شخصی؛ بازتعریفِ موفقیت؛ اولویت‌یابی خودشناسی	تحول در نظام ارزشی و هویتی	شرایط علی	عامل آغازگر پدیده‌ی محوری
«ما در یک آپارتمان ۷۰ متری زندگی می‌کنیم. اگر دو بچه داشته باشیم، دیگر هیچ فضای شخصی برای خودمان نخواهیم داشت.» (P3)	محدودیت فضای زیستی؛ تعارضِ فرزندآوری با آرامشِ شخصی؛ زیستِ آپارتمانی به‌عنوان واقعیتِ غیرقابل‌انکار	شهرنشینی و زیست آپارتمانی	بستر حاکم	زمینه‌ی ساختاری تسهیل‌کننده

نقل قول کلیدی	کدهای باز اولیه	مقوله فرعی	مقوله اصلی	جایگاه در مدل پارادایمی
«یک روز می‌گویند بچه‌دار نشوید، روز دیگر می‌گویند جوانی جمعیت واجب است. آدم واقعاً نمی‌داند که باید به کدام حرف گوش کند.» (P2)	تناقض‌گویی دولتی؛ سردرگمی مخاطب؛ کاهش اعتماد به سیاست‌ها	سیاست‌های جمعیتی دولتی	شرایط مداخله‌گر	عامل تشدیدکننده یا تعدیل‌کننده اتخاذ راهبردها

شرایط علی (عوامل آغازگر تغییر)

منظور از شرایط علی، عواملی است که وقوع پدیده‌ی محوری (بازاندیشی در مطلوبیت خانوادگی پرجمعیت) را زمینه‌سازی کرده و باعث شکل‌گیری آن شده‌اند. بر اساس یافته‌های پژوهش، این شرایط شامل موارد زیر است:

الف) تحول در نظام ارزشی و هویتی

تغییر در اولویت‌های زندگی، مهم‌ترین عامل علی شناسایی شده است. مشارکت‌کنندگان از بازتعریف معنای موفقیت و سعادت سخن گفتند که دیگر لزوماً در ازدواج زودهنگام و فرزندآوری متعدد خلاصه نمی‌شود. P5، مشارکت‌کننده‌ی ۳۱ ساله، در این باره گفت: «وقتی به زندگی مادرم نگاه می‌کنم که ۴ تا بچه داشت و تمام عمرش را فدای ما کرد، می‌بینم که خودش هیچ‌وقت به آرزوهای شخصی‌اش نرسید. من نمی‌خواهم چنین زندگی‌ای داشته باشم. می‌خواهم اول خودم را پیدا کنم، بعد اگر فرصت شد، خانواده تشکیل بدهم.»

همچنین، فردی‌شدن مسیر زندگی و اولویت‌یابی خودشکوفایی بر الزامات نسلی، از دیگر مفاهیم استخراج شده در این بستر است. P7، مشارکت‌کننده‌ی ۲۷ ساله، اظهار داشت: «دیگر آن فشار قدیمی نیست که همه باید تا ۲۵ سالگی ازدواج کنند. الان خیلی‌ها ترجیح می‌دهند مجرد بمانند و به رشد شخصی‌شان برسند. این یک انتخاب است، نه یک شکست.»

ب) تغییر در موقعیت و نقش اجتماعی زنان

افزایش تحصیلات عالی و حضور فعال زنان در بازار کار، یکی دیگر از شرایط علی کلیدی است. بسیاری از مشارکت‌کنندگان زن، اشتغال و استقلال مالی را عاملی برای بازنگری در نقش‌های سنتی همسری و مادری دانستند. P9، مشارکت‌کننده‌ی ۳۸ ساله، در این زمینه گفت: «من ۷ سال برای دکترا خواندم. حالا که به اینجا رسیده‌ام، نمی‌توانم به راحتی همه چیز را رها کنم و فقط خانه‌دار باشم. ازدواج برای من یعنی مشارکت، نه تابعیت. اگر مردی نتواند این را بپذیرد، ترجیح می‌دهم تنها بمانم.»

این یافته نشان می‌دهد که آموزش عالی و اشتغال زنان، نه فقط به عنوان یک عامل اقتصادی، بلکه به عنوان یک عاملیت هویتی عمل می‌کند که افق‌های زمانی ازدواج و فرزندآوری را به تعویق می‌اندازد.

ج) نااطمینانی اقتصادی و امنیتی آینده

شرایط اقتصادی پرنوسان و عدم پیش‌بینی‌پذیری آینده، یکی از مهم‌ترین عواملی بود که مشارکت‌کنندگان به عنوان دلیل اصلی تأخیر در ازدواج و فرزندآوری مطرح کردند. P12، مشارکت‌کننده‌ی ۳۴ ساله، در این باره گفت: «من و همسرم هر دو کارمندیم، اما با این تورم و گرانی، جرئت نمی‌کنیم بچه‌دار شویم. مگر می‌شود با این حقوق، هزینه‌های یک بچه را تأمین کرد؟ ما حتی برای خرید خانه هم مانده‌ایم، چه برسد به بچه‌دار شدن.»

همچنین، نااطمینانی شغلی و قراردادی شدن کار، باعث شده است که جوانان نتوانند برای یک افق ۲۰-۳۰ ساله برنامه‌ریزی کنند و این موضوع، به‌طور مستقیم بر کاهش تمایل به خانوادگی پرجمعیت اثر گذاشته است.

د) تغییر الگوهای مصرف و سبک زندگی مدرن

افزایش استانداردهای رفاهی و مصرف‌گرایی، یکی دیگر از شرایط علی‌شناسایی شده است. مشارکت‌کنندگان اشاره کردند که داشتن فرزند، به‌ویژه بیش از یک فرزند، به‌معنای کاهش چشمگیر سطح رفاه و کیفیت زندگی فردی و زوجی است. P1، مشارکت‌کننده‌ی ۲۸ ساله، در این باره گفت: «ما عادت کرده‌ایم که سالی یک سفر خارجی برویم، هر ماه چند بار در رستوران‌های خوب غذا بخوریم، و آخر هفته‌ها تفریح کنیم. اگر بچه‌دار شویم، باید همه‌ی این‌ها را قربانی کنیم. راستش من آماده‌ی این قربانی نیستم.»

بستر حاکم (زمینه‌های ساختاری تسهیل‌کننده)

بستر حاکم مجموعه‌ای از شرایط زمینه‌ای هستند که در ظاهر با راهبردها بی‌ارتباط‌اند، اما به‌عنوان زمینه برای اتخاذ راهبرد عمل می‌کنند و در آن مؤثرند. در این پژوهش، بستر حاکم شامل موارد زیر است:

الف) شهرنشینی و زیست‌آپارتمانی

همه‌ی مشارکت‌کنندگان در شهر بروجرد و حومه ساکن بودند و همگی به محدودیت‌های فضایی زندگی آپارتمانی به‌عنوان یک واقعیت غیرقابل‌انکار اشاره کردند. این فضا، عملاً امکان خانوادگی گسترده یا حتی خانوادگی پرجمعیت هسته‌ای را با دشواری مواجه می‌سازد. P3، مشارکت‌کننده‌ی ۴۲ ساله، گفت: «ما در یک آپارتمان ۷۰ متری زندگی می‌کنیم. اگر دو بچه داشته باشیم، دیگر هیچ فضای شخصی برای خودمان نخواهیم داشت. زندگی شهری به ما می‌گوید که جمعیت کوچک‌تر، یعنی آرامش بیشتر.»

ب) تغییر در ساختار خویشاوندی و شبکه‌های حمایتی

افزایش فاصله‌ی جغرافیایی از خانواده‌ی اصلی و کاهش تعاملات خویشاوندی، بستر دیگری است که مشارکت‌کنندگان به آن اشاره داشتند. این تغییر، باعث شده است که حمایت عاطفی و عملی خانوادگی گسترده در دوران فرزندپروری، به‌شدت کاهش یابد و زوجها احساس کنند که به‌تنهایی باید بار سنگین فرزندآوری را به‌دوش بکشند. P15، مشارکت‌کننده‌ی ۳۶ ساله، گفت: «وقتی مادرم در شهر دیگری زندگی می‌کند، نمی‌توانم روی کمک او برای نگهداری از بچه حساب کنم. این یعنی من باید همه‌کار را خودم انجام بدهم. خب، طبیعی است که با این شرایط، آدم برای بچه‌دار شدن وسواس بیشتری پیدا می‌کند.»

شرایط مداخله‌گر (عوامل تشدیدکننده یا تعدیل‌کننده)

شرایط مداخله‌گر، مجموعه عواملی هستند که به‌عنوان واسطه یا میانجی عمل نموده و اتخاذ راهبردها را تسهیل یا تحدید می‌کنند. این شرایط در تحقیق حاضر عبارت‌اند از:

الف) سیاست‌های جمعیتی دولتی

نوسان گفتمانی دولت‌ها بین «تنظیم خانواده» و «جوانی جمعیت»، به‌عنوان یک عامل مداخله‌گر کلیدی شناسایی شد. مشارکت‌کنندگان از سردرگمی ناشی از این سیاست‌های متناقض سخن گفتند. P2، مشارکت‌کننده‌ی ۳۵ ساله، در این باره اظهار داشت: «یک روز می‌گویند بچه‌دار نشوید، روز دیگر می‌گویند جوانی جمعیت واجب است. آدم واقعاً نمی‌داند که باید به کدام حرف گوش کند. این نوسان، اعتماد ما را از بین برده است.»

ب) فناوری‌های پیشگیرانه و کمک‌باروری

دسترسی آسان به روش‌های پیشگیری از بارداری و همچنین فناوری‌های کمک‌باروری، به‌عنوان یک عامل مداخله‌گر عمل کرده است که از یک سو، امکان برنامه‌ریزی دقیق‌تری را فراهم می‌آورد و از سوی دیگر، سن فرزندآوری را تا سال‌ها به تعویق می‌اندازد.

ج) رسانه‌های اجتماعی و فضای مجازی

مشارکت‌کنندگان به‌صراحت از تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر نگرش‌های خود نسبت به خانواده و فرزندآوری سخن گفتند. مشاهده‌ی الگوهای زندگی جایگزین، آشنایی با فرهنگ‌های دیگر، و مقایسه‌ی مداوم سبک زندگی با دیگران، از جمله عواملی بود که به‌عنوان شرایط مداخله‌گر شناسایی شد. P10، مشارکت‌کننده‌ی ۲۹ ساله، گفت: «مدام در اینستاگرام زندگی آدم‌هایی را می‌بینم که بدون بچه، خوش‌ترین زندگی‌ها را دارند. یا برعکس، آدم‌هایی که یک بچه دارند و با همان یک بچه، بهترین امکانات را به او می‌دهند. این تصاویر، ناخودآگاه روی تصمیم‌های ما تأثیر می‌گذارند.»

راهبردها (کنش‌های مشارکت‌کنندگان در مواجهه با پدیده)

راهبرد، کنش و رفتاری است که فرد در اثر وقوع پدیده‌ی خاصی اتخاذ می‌کند. به عبارت بهتر، مشارکت‌کنندگان پس از اینکه با پدیده‌ی محوری (بازاندیشی در مطلوبیت خانوادگی پرجمعیت) مواجه شدند، تصمیم گرفتند که نوع رفتار خاصی را از خود به نمایش بگذارند. بنا بر نتایج کدگذاری‌ها، مشخص شد که مصاحبه‌شوندگان پس از شکل‌گیری این بازاندیشی، راهبردهای زیر را اتخاذ کرده‌اند:

الف) تأخیر استراتژیک ازدواج و فرزندآوری

بسیاری از مشارکت‌کنندگان، ازدواج و فرزندآوری را به‌عنوان یک «پروژه‌ی برنامه‌ریزی‌شده» تعریف کردند که باید در زمان مناسب و با آمادگی کامل انجام شود. این تأخیر، نه از سر ناتوانی، بلکه به‌عنوان یک تاکتیک هوشمندانه برای انباشت سرمایه‌های اقتصادی، تحصیلی و عاطفی مطرح شد. P1، مشارکت‌کننده‌ی ۲۸ ساله، گفت: «ما تصمیم گرفتیم که حداقل تا ۳۵ سالگی صبر کنیم تا از نظر مالی و شغلی به ثبات برسیم. بچه‌دار شدن در شرایط نامطمئن، به نظر ما غیرمسئولانه است.»

ب) تک‌فرزندی برنامه‌ریزی‌شده

اکثریت قریب‌به‌اتفاق مشارکت‌کنندگانی که قصد فرزندآوری داشتند، حداکثر به یک فرزند فکر می‌کردند. این راهبرد، به‌عنوان مصالحه‌ای میان فشارهای اجتماعی و محدودیت‌های اقتصادی و روانی عمل می‌کند. P3، مشارکت‌کننده‌ی ۴۲

ساله، گفت: «ما فقط یک بچه می‌خواهیم تا بتوانیم بهترین امکانات را به او بدهیم. هم از نظر مالی، هم از نظر وقت و توجه. دو یا سه بچه دیگر در این شرایط، یعنی کیفیت زندگی همه پایین می‌آید.»

ج) قراردادهای پیش‌ازدواج و شفاف‌سازی نقشی

برخی از مشارکت‌کنندگان، به‌ویژه زنان تحصیل‌کرده، از تدوین «منشور رفتاری» یا قراردادهای ضمنی پیش‌ازدواج سخن گفتند که در آن، نقش‌ها، مسئولیت‌ها و انتظارات مالی و عاطفی به‌صراحت تعیین می‌شود. P9، مشارکت‌کننده‌ی ۳۸ ساله، گفت: «من قبل از ازدواج با همسرم ساعتها حرف زدم که کار من چه اهمیتی دارد، چقدر زمان می‌برد، و چه انتظاری از او به‌عنوان شریک زندگی دارم. اگر او نمی‌پذیرفت که در کارهای خانه و فرزندپروری مشارکت کند، هرگز با او ازدواج نمی‌کردم.»

د) کیفی‌سازی روابط خانوادگی به‌جای کمی‌سازی

به‌جای افزایش تعداد فرزندان، مشارکت‌کنندگان بر «عمق رابطه» با فرزندان و همسر تأکید داشتند. آن‌ها معتقد بودند که یک فرزند شاد، موفق و سالم، بسیار ارزشمندتر از چند فرزندی است که به‌دلیل کمبود منابع، از توجه و حمایت کافی برخوردار نشوند.

پیامدها (بروندهای ساختاری و نهادی)

طبق نتایج کدگذاری‌ها، پدیده‌ی بازاندیشی در مطلوبیت خانوادگی پرجمعیت و راهبردهای اتخاذشده، پیامدهای زیر را برای کنشگران و جامعه به‌همراه داشته است:

الف) پیامدهای جمعیتی (سطح کلان)

کاهش مستمر نرخ باروری کلی (TFR)، افزایش سن ازدواج و فرزندآوری، و پیرشدگی جمعیت، از مهم‌ترین پیامدهای کلان است. به‌عنوان نمونه، بسیاری از مشارکت‌کنندگان تأکید داشتند که به‌دلیل شرایط موجود، احتمالاً هرگز بیش از یک فرزند نخواهند داشت و این موضوع، به‌وضوح در داده‌ها قابل ردیابی است.

ب) پیامدهای روان‌شناختی فردی (سطح خرد)

در سطح فردی، مشارکت‌کنندگان از افزایش گفت‌وگومداری در خانواده، بهبود کیفیت رابطه‌ی همسری و کاهش تعارضات ناشی از فشارهای اقتصادی سخن گفتند. با این حال، برخی نیز به افزایش اضطراب جدایی و وابستگی عاطفی شدید به تک‌فرزند اشاره کردند. P3، مشارکت‌کننده‌ی ۴۲ ساله، در این باره گفت: «چون فقط یک بچه دارم، همه‌ی انرژی ام را می‌ریزم روی او. گاهی می‌ترسم که اگر یک روز از من جدا شود، دنیایم فرو بریزد. این تمرکز افراطی، خودش یک نوع فشار روانی است.»

ج) پیامدهای اجتماعی (تغییر در نهاد خانواده)

از منظر جامعه‌شناختی، مهم‌ترین پیامد، قراردادی‌شدن نهاد خانواده است. به‌عبارتی، خانواده از یک نهاد مبتنی بر سنت و الزام، به یک نهاد مبتنی بر انتخاب و توافق دوسویه تبدیل شده است. این تغییر، هم‌زمان با افزایش میزان طلاق و کاهش پایداری ازدواج، به‌عنوان یک پیامد منفی نیز مطرح شده است. P13، مشارکت‌کننده‌ی ۴۱ ساله، گفت: «امروزه دیگر کسی

به‌خاطر بچه‌ها یا حرف مردم، در یک ازدواج ناخوشایند باقی نمی‌ماند. این هم خوب است، هم بد. خوب است چون آدم‌ها به‌دنبال خوشبختی واقعی‌اند. بد است چون نهاد خانواده را شکننده‌تر کرده است.»

در فرایند کدگذاری محوری و انتخابی، مفاهیم استخراج‌شده از مصاحبه‌ها بر اساس شباهت‌های معنایی و پیوندهای موضوعی، در قالب مقوله‌های اصلی سازماندهی شدند. به‌منظور نمایش نظام‌مند روابط میان مقوله‌ها و ارائه‌ی تصویری شفاف از مدل پارادایمی پژوهش، خلاصه‌ی مقوله‌های شناسایی‌شده به‌همراه مفاهیم کلیدی هر یک، در جدول شماره ۳ ارائه شده است. این جدول، امکان درک هم‌زمان شرایط علی، بستر حاکم، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدهای مرتبط با پدیده‌ی محوری را فراهم می‌آورد.

جدول ۵. خلاصه‌ی مقوله‌های شناسایی‌شده در مدل پارادایمی

بخش مدل	مقوله‌های اصلی	مفاهیم کلیدی
شرایط علی	تحول ارزشی، تغییر نقش زنان، نااطمینانی اقتصادی، مصرف‌گرایی	فردی‌شدن، خودشکوفایی، استقلال مالی، استانداردهای رفاهی
بستر حاکم	شهرنشینی، تغییر ساختار خویشاوندی	زیست آپارتمانی، کاهش حمایت نسلی، فاصله جغرافیایی
شرایط مداخله‌گر	سیاست‌های جمعیتی، فناوری، رسانه‌های اجتماعی	تناقض‌گویی دولتی، پیشگیری از بارداری، الگوهای جایگزین
پدیده‌ی محوری	بازاندیشی در مطلوبیت خانوادگی پرجمعیت	عقلانی‌شدن فرزندآوری، مدیریت ریسک
راهبردها	تأخیر، تک‌فرزندی، قرارداد، کیفی‌سازی	برنامه‌ریزی بلندمدت، مصالحه، شفاف‌سازی نقشی
پیامدها	کاهش باروری، تغییر نهاد خانواده، اضطراب والدینی	پیرشدگی جمعیت، قراردادی‌شدن، وابستگی افراطی



شکل ۱: عناصر اصلی پارادایم در کدگذاری محوری

همان‌گونه که در مدل پارادایمی فوق مشاهده می‌شود، «بازاندیشی بنیادین در مطلوبیت خانوادگی پرجمعیت» به‌عنوان مقوله‌ی هسته، تحت تأثیر شرایط علی (چهارگانه) شکل می‌گیرد. این فرایند، در بستر حاکم (شهرنشینی و تغییر خویشاوندی) روی می‌دهد و از سوی شرایط مداخله‌گر (سه‌گانه) تشدید یا تعدیل می‌شود. سپس کنشگران، راهبردهای چهارگانه را اتخاذ می‌کنند که در نهایت به پیامدهای جمعیتی، روان‌شناختی و اجتماعی اشاره‌شده منجر می‌شود. تمامی این مؤلفه‌ها با یکدیگر در ارتباط دیالکتیکی هستند و به‌صورت غیرخطی بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. مرادی و صفاریان (۱۴۰۳: ۱۴) نیز «تغییر سبک زندگی و سبک زندگی نوین، فرسایش سرمایه اجتماعی، تغییر نگرش‌ها، عقلانیت صوری و ابزاری به فرزندآوری، مسائل اقتصادی؛ بیم و هراس اقتصادی، ... دغدغه‌ها و نگرانی‌ها و محدودیت‌های ناشی از فرزندآوری» را به‌عنوان شرایط علی کاهش فرزندآوری معرفی می‌کنند که با یافته‌های پژوهش حاضر همسو است.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که تغییرات سبک زندگی در بروجرد، به‌مثابه‌ی نیروی چندوجهی، نهاد خانواده را از یک «ساختار مبتنی بر الزام» به یک «پروژه‌ی مبتنی بر مدیریت ریسک» تبدیل کرده است. این گذار هستی‌شناختی،

مهم‌ترین عامل تبیین‌کننده‌ی کاهش باروری، افزایش سن ازدواج و تغییر الگوهای همسرگزینی و فرزندآوری در بروجرد امروز است. مدل ارائه‌شده، با لحاظ کردن هم‌زمان کنش‌گری فردی و محدودیت‌های ساختاری، چارچوبی نظری برای تحلیل پویایی‌های جمعیتی خانواده در بروجرد فراهم می‌آورد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

یافته‌های پژوهش حاضر که با رویکرد کیفی و نظریه‌ی مبنایی به بررسی تأثیر تغییرات سبک زندگی بر الگوهای جمعیتی خانواده در بروجرد پرداخته است، نشان می‌دهد که نهاد خانواده در بروجرد دستخوش یک گذار هستی‌شناختی بنیادین شده است؛ گذاری که می‌توان آن را حرکتی از «خانواده‌ی مبتنی بر الزام نسلی و سنتی» به سوی «خانواده‌ی مبتنی بر مدیریت ریسک و انتخاب آگاهانه» توصیف کرد. پدیده‌ی محوری کشف‌شده در این پژوهش، یعنی «بازاندیشی بنیادین در مطلوبیت ساختار خانواده‌ی پرجمعیت»، مبین آن است که فرزندآوری در بروجرد امروز، دیگر یک کنش طبیعی و اجتناب‌ناپذیر نیست، بلکه به عملی برنامه‌ریزی‌شده، زمان‌مند، مشروط و حساب‌شده تبدیل شده است.

این یافته با نظریه‌ی بازاندیشی گیدنز (۱۹۹۱) همخوانی کامل دارد؛ چراکه گیدنز معتقد است در مدرنیته‌ی متأخر، افراد ناگزیر از ساختن هویتی بازتابی و انتخابی برای خویش هستند و تصمیمات مربوط به ازدواج و فرزندآوری بیش از هر زمان دیگری به انتخاب‌های فردی و محاسبات شخصی وابسته می‌شود. همچنین با نظریه‌ی تغییرات ارزشی اینگلهارت^۲ که بر اولویت‌یابی ارزش‌های فرامادی همچون خودشکوفایی و کیفیت زندگی در جوامع امروزی تأکید دارد، مطابقت دارد و مبین آن است که دگرگونی در الگوهای جمعیتی بروجرد، نه صرفاً پدیده‌ای اقتصادی، بلکه بازتاب تحولی ژرف در نظام ارزشی و هستی‌شناختی افراد و خانواده‌هاست. از سوی دیگر، یافته‌های این پژوهش با نظریه‌ی سرمایه‌ی فرهنگی و اجتماعی بوردیو نیز هماهنگ است؛ چراکه تغییر در عادات‌واره‌ها و اولویت‌های مصرفی مشارکت‌کنندگان، نشان‌دهنده‌ی دگرگونی در سرمایه‌های فرهنگی و اقتصادی آن‌هاست که به‌نوبه‌ی خود، سبک زندگی و الگوهای جمعیتی ایشان را متحول ساخته است. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های داخلی پیشین نیز هم‌سو و هم‌افزاست. پژوهش عباسی شوازی و عسکری ندوشن (۱۳۸۴) نشان داد که کاهش سریع باروری در بروجرد با تحولات یک‌دست و خطی در ابعاد سنتی خانواده همراه نبوده و ترکیبی از عناصر مدرن و سنتی را به نمایش گذاشته است. یافته‌های ما نیز نشان می‌دهد بازاندیشی در مطلوبیت خانواده، به‌معنای کنارگذاشتن کامل ارزش‌های سنتی نیست، بلکه به‌معنای ترکیب خلاقانه‌ای از عناصر مدرن و سنتی با اولویت‌بندی جدیدی از ارزش‌هاست. همچنین با پژوهش چراغی کوتپانی (۱۴۰۰) که گسترش فردگرایی و مصرف‌گرایی را از عوامل اصلی کاهش باروری معرفی کرده، تطابق کامل دارد؛ چراکه مشارکت‌کنندگان ما نیز به‌صراحت از اولویت‌یابی خودشکوفایی فردی و استانداردهای رفاهی مدرن به‌عنوان عوامل اصلی کاهش تمایل به فرزندآوری سخن گفتند. یافته‌های پژوهش میرمحمدرضائی و ساروخانی (۱۳۹۷) در مورد تأثیر جهانی‌شدن و رسانه‌های نوین بر تغییرات خانواده، با یافته‌های ما در مورد نقش رسانه‌های اجتماعی به‌عنوان یک عامل مداخله‌گر کلیدی در شکل‌دهی به نگرش‌های فرزندآوری همخوانی دارد. همچنین نتایج سرایی و اوجاقلو (۱۳۹۲) در مورد کاهش ارزش ازدواج در نسل‌های جوان‌تر با یافته‌های ما در مورد «تأخیر استراتژیک» به‌عنوان یک راهبرد عام در میان مشارکت‌کنندگان هماهنگ است. در نهایت، پژوهش تاج‌بخش و گودرزی (۱۴۰۲) که تأثیر قوی و معنادار سبک زندگی بر فرزندآوری را تأیید کرده، با یافته‌های ما در مورد نقش محوری تغییرات سبک زندگی در بازاندیشی مطلوبیت خانواده‌ی پرجمعیت، کاملاً هم‌سو است.

1. Giddens, 1991
2. Inglehart, 1977

در سطح راهبردها، چهار راهبرد تأخیر استراتژیک، تک‌فرزندی برنامه‌ریزی‌شده، قراردادهای پیش‌ازدواج و کیفی‌سازی روابط شناسایی شد که به پیامدهایی چون کاهش باروری، پیرشدگی جمعیت و اضطراب والدینی انجامیده‌اند. در این میان، «کیفی‌سازی روابط» با پژوهش مرادی و همکاران (۱۴۰۳) هم‌سو است که نشان می‌دهد کیفیت ارتباط والد-فرزند و باورهای انگیزشی مثبت، نگرش منفی به فرزندآوری را کاهش می‌دهند و می‌توانند به‌عنوان راهبردی تعدیل‌گر، کیفیت زیست خانوادگی را بهبود بخشند. بر این اساس، با توجه به اینکه مشارکت‌کنندگان «نااطمینانی اقتصادی» را مهم‌ترین دلیل «تأخیر استراتژیک» دانستند (P12: با این تورم جرئت نمی‌کنیم بچه‌دار شویم)، سیاست‌های جمعیتی باید در گام نخست به‌جای شعار، به‌سمت ثبات‌بخشی معیشتی و کاهش ریسک‌های بلندمدت حرکت کنند. همچنین با عنایت به عاملیت هویتی «تغییر نقش زنان» (P9: ازدواج برای من مشارکت است، نه تابعیت)، مشوق‌های شغلی منعطف، توسعه‌ی مراکز نگهداری از کودکان در محیط‌های کاری، و به‌رسمیت‌شناسی «قراردادهای پیش‌ازدواج» به‌عنوان راهبرد کاهش ریسک، ضروری‌اند. با توجه به شرایط علی «مصرف‌گرایی و استانداردهای رفاهی» (P1: حاضر نیستم سفرها و تفریحاتم را قربانی کنم)، سیاست‌گذار باید با بسته‌های رفاهی هدفمند (وام مسکن متناسب با فضای آپارتمانی، یارانه‌های تفریحی خانوادگی) نشان دهد کیفیت زندگی با فرزندآوری منافات ندارد؛ چراکه «زیست آپارتمانی» (P3: خانه‌ی ۷۰ متری) به‌عنوان بخشی از بستر حاکم، رویای خانواده‌ی پرجمعیت را غیرممکن ساخته و تا زمانی که سیاست‌های مسکن به‌سمت افزایش فضای زیستی نرود، راهبرد «تک‌فرزندی برنامه‌ریزی‌شده» تداوم خواهد یافت. «کاهش حمایت نسلی» (P15: مادرم در شهر دیگری است و نمی‌توانم روی کمکش حساب کنم) بازطراحی شبکه‌های حمایت اجتماعی جایگزین (مشاوره‌ی رایگان، خدمات پرستاری، مهدکودک‌های سازمانی) را ضروری می‌سازد. «نوسان گفتمانی دولت‌ها» (P2: یک روز می‌گویند بچه‌دار نشوید، روز دیگر جوانی جمعیت) باعث سردرگمی و بی‌اعتمادی شده؛ بنابراین تدوین یک «گفتمان واحد و فرابخشی» بر اساس واقعیت‌های اجتماعی امروز، نخستین اقدام عملی است. با توجه به نقش «رسانه‌های اجتماعی» (P10: تصاویر اینستاگرامی زندگی بدون فرزند روی تصمیم‌مان تأثیر دارد)، ضروری است رسانه‌ی ملی به‌جای کلیشه‌های خانواده‌ی پرجمعیت، «کیفی‌سازی روابط» را به‌عنوان سبک زندگی موفق بازنمایی کند. در نهایت، پیامد «اضطراب والدینی شدید» (P3: می‌ترسم اگر تک‌فرزندم از من جدا شود دنیايم فرو بریزد)، حمایت‌های روان‌شناختی پس‌از تولد و مشاوره‌های خانواده‌محور را اجتناب‌ناپذیر ساخته است؛ چراکه اگر خانواده به پروژه‌ای برای مدیریت ریسک تبدیل شده، وظیفه‌ی دولت کاهش ریسک‌های واقعی (اقتصادی، شغلی، فضایی و روانی) است، نه تحمیل ارزش‌های گذشته با وعده‌های اخلاقی یا پزشکی.

Reference

- Abbasi Shawazi, Mohammad Jalal (1380). "Convergence of Fertility Behaviors in Iran". Journal of Social Sciences, No. 17, pp. 1-26. <https://sid.ir/paper/2331/fa> [In Persian]
- Abbasi Shawazi, Mohammad Jalal and Askari Nadushan, Abbas (2004). "Family Changes and Fertility Decline in Iran: A Case Study of Yazd Province". Journal of Social Sciences, No. 25, pp. 76-25. https://jnoe.ut.ac.ir/article_10534.html [In Persian]
- Abbasi Shawazi, Mohammad Jalal and Khaje Salehi, Zohra (2012). "Measuring the effect of women's independence, social participation and education on the desire to have children (Sirjan city case study)". Women in development and politics, volume 11, number 1, pp. 45-64. <https://doi.org/10.22059/jwdp.2013.35477> [In Persian]
- Abdullahi, Zahra; Pirhari, Nasreen; Ghasemi, Yermohammed and Mirzaei, Khalil (1401). "Mechanism and dynamics of family values in Ilam (a mixed study)". Women and society, volume 13, number 1, pp. 68-89. <https://research.ilam.ac.ir/Pages/Research.aspx?Id=121040> [In Persian]
- Afsharkhan, Javad and Bilali, Ismail (2018). "Future research of family social changes (providing a hybrid theoretical model)". Quarterly Journal of Social Studies and Research in Iran, Volume 9, Number 7, pp. 16-162 <https://doi.org/10.22059/jisr.2019.271819.792> [In Persian]
- Aghili, Mohammad and Rahnama, Alireza. (1403). Identifying the ideal model of population in Islam with emphasis on the thought of Allameh Hosseini Tehrani; by thematic analysis method. Journal of Population and Progress, second year, number 2, pp. 73-100. <https://civilica.com/doc/2201022/> [In Persian]
- Askari Nadushan, Abbas; Abbasi Shawazi, Mohammad Jalal and Piri Mohammadi, Maryam (2015). "The ideal age of marriage and its determining factors in Yazd city". Women in Development and Politics, 19(73), pp. 35-63 <https://doi.org/10.22095/jwss.2016.44383> [In Persian]
- Azadarmaki, Taghi (2008). Iranian family sociology. Tehran: Side. <https://ketab.ir/Book/F2029B40-8EB0-46F1-97CC-CD1A9BD3EB34> [In Persian]
- Cheraghi Kotpani, Ismail (1400). "Changes in family values and their role in reducing fertility in Iranian families". Historical research quarterly, year 12, number 2, pp. 7-26 <https://www.magiran.com/p2307382> [In Persian]
- Corbin, J. M., & Strauss, A. L. (2008). Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory (3rd ed.). Sage Publications. <https://doi.org/10.4135/9781452230153>
- Ehrhardt, J., & Kohli, M. (2011). Individualisation and fertility. Historical Social Research / Historische Sozialforschung, 36(2), 35-64. <https://doi.org/10.12759/hsr.36.2011.2.35-64>
- Giddens, A. (1991). Modernity and Self-Identity: Self and Society in the Late Modern Age. PolityPress. <https://www.wiley.com/enus/Modernity+and+Self+Identity%3A+Self+and+Society+in+the+Late+Modern+Age-p-9780745609324>
- Iman, Mohammad Taghi (2008). Quantitative and qualitative paradigm basis in humanities. Qom: District and University. <https://ketab.ir/Book/E7F3F7AC-F7E7-48FC-AF31-CA7B4B3AE74E> [In Persian]
- Inglehart, R. (1977). The Silent Revolution: Changing Values and Political Styles Among Western Publics. Princeton University Press. <https://doi.org/10.1515/9781400869589>
- Kalate Sadati, Ahmed and Sabohi Golkar, Zainab (1403). "Fundamental changes in the institution of the family and the individuality of Farhanhadgar". Quarterly Journal of Social Studies and Research in Iran, Volume 15, Number 2, pp. 237-252. <https://www.doi.org/10.22059/jisr.2024.368977.1463> [In Persian]
- Lesthaeghe, R. J., & Neidert, L. (2006). The second demographic transition in the United States: Exception or textbook example. Population and Development Review, 32(4), 669-698. <https://deepblue.lib.umich.edu/handle/2027.42/102347>
- Mahmoudi, Mohammad Javad; Mushfiq, Mahmoud; Mati Haqshanas, Nader (2011). "Perspective of Iran's Demographic Developments: The Necessity of Revising Population Policies". Women's Strategic Studies Quarterly, Year 14, Number 55, pp. 155-178. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.20082827.1391.14.55.5.9> [In Persian]
- Metousli, Mahmoud; Hosseini, Seyyed Mohammad Ali and Niko Nesebeti, Ali (2008). "Theory of institutionalism and its effect on institutions". Economic Research, 9(4), pp. 113-136. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.17356768.1388.9.4.7.7> [In Persian]
- Moradi, Ali and Safarian, Mohsen. (1403). Compilation of population youth model with emphasis on child bearing (case study of Kermanshah police command staff). Journal of Population and Progress, second year, number 1, pp. 11-42. <https://civilica.com/doc/2084612/> [In Persian]
- Moradi, Mohammad; Karimi, Azar and Karimi, Nastern. (1403). The key role of the components of motivational beliefs, pleasant feeling and the quality of parent-child relationship in depicting families with many children over other families. Journal of Population and Progress, second year, number 2, pp. 149-176. https://journals.ihu.ac.ir/article_209627_0921c179447f8ca03425e3885c04c185.pdf [In Persian]
- Rasulzadeh Aghdam, Samad; Afshar, Simin; Adlipour, Samad and Mir Mohammad Tabar, Seyyed Ahmed (2015). "Analysis of the relationship between social capital and lifestyle with the tendency to have children". Social and Cultural Strategy, 20(5), pp. 107-136 <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.22517081.1395.5.3.5.4> [In Persian]
- Razaghi Nasrabad, Hajieh Bibi (1400). The status of cultural and social aspects of the family in Iran. Cultural observation report, country's population research institute. <https://B2n.ir/rn8446> [In Persian]
- Rezaei, Maryam (2011). "The role of the media in the cultural changes of the family". Iranian People's Culture Quarterly, No. 31, pp. 31-52. <https://lib.isfahan.ir/dl/search/default.aspx?Term=33956&Field=0&DTC=113> [In Persian]
- Saraei, Hassan and Ojajlou, Sajjad (2012). "A generational study of changing the value of marriage in Iran: a case study of women in Zanjan". Iranian Social Development Studies, No. 4, pp. 19-41. <https://www.sid.ir/paper/231851/fa> [In Persian]
- Sarukhani, Baqir and Mirmohammed Rezaei, Sayeda Zahra (2017). "The role of globalization in the changes of the Iranian family in the last two decades". Women and Family Cultural-Educational Quarterly, Year 13, Number 44, pp. 131-164. https://jms.ihu.ac.ir/article_203720_238c34751345674c845a9dcfbc55e53f.pdf [In Persian]
- Strauss, A. L., & Corbin, J. M. (1998). Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory (2nd ed.). Sage. <https://us.sagepub.com/en-us/nam/basics-of-qualitative-research/book2264>

- Syed Murzaei, Seyed Mohammad and Arshadhi, Haider (2013). "Investigation of factors affecting fertility in two successive generations in Sanandaj city with emphasis on the role of traditional and modern values". Demographic Studies Quarterly, Year 3, Number 1, pp. 1-23. <https://B2n.ir/dw1850> [In Persian]
- Tajbakhsh, Gholamreza (1404). "Synthesis of factors affecting the desire to have children in Iran". New Researches in Islamic Humanities Studies, Volume 5, Number 9, pp. 1-35 <https://doi.org/10.22034/api.2025.2056224.1231> [In Persian]
- Tajbakhsh, Gholamreza and Gudarzi, Farshad (1402). "Lifestyle and having children in Iran; A meta-analytic study". Jamiat Quarterly, 125(30), pp. 95-114 https://www.population-journal.ir/article_245751.html [In Persian]
- Tell me, Milad; Sadeghi, Rasool and Hatami, Ali (1400). "Tendency to have children in Iran: determinants and limitations". Scientific quarterly of strategic culture studies, year 1, number 4, pp. 103-121 <https://doi.org/10.22083/scsj.2022.149113> [In Persian]
- Traylor, F., & Chae, Y. (2025). The effects of environmentalism on fertility in the United States: Changing trends and causality. Population and Environment, 47, Article 35. <https://doi.org/10.1007/s11111-025-00505-7> ¶
- Tugrul, H., & Aassve, A. (2025). Cultural foundations of the second demographic transition: The role of inherited values. European Journal of Population, 42(1), Article 6. <https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/41359146/>
- Walliman, Nicholas (2008). Research methods in humanities. Tehran: Pandar Pars <https://ww> [In Persian]

